

فصلنامه تاریخ اسلام

سال هفتم، زمستان ۱۳۸۵، شماره مسلسل ۲۸، ص ۲۵-۴۸

مبانی و سازوکارهای دگرگونی فرهنگی

در عصر نبوی(ص)

* دکتر فاطمه جان احمدی *

حاصل بیست سال دعوت علمی و تبلیغات مستمر پیامبر(ص)، فروپاشی نظام جاهلی بود. این تلاش بی وقfe از یک سو باورهای ریشه دار و عادات های انعطاف ناپذیر حیات قبیله ای را ویران نمود و از سوی دیگر بر ویرانه های آن، هنجارها، الگوها و ارزش هایی همنوا با ساخت جامعه اسلامی ایجاد کرد. در این مسیر دشوار آموزه های قرآنی و تعالیم وحیانی و فعالیت های فرهنگی پیامبر اکرم(ص)، در دگرگونی اجتماعی نظام جاهلی مؤثر افتاد. وی با ایزارهای اخلاقی مبتنی بر اعتماد سازی عمومی، انگاره های فرهنگ اسلامی را ترویج و تقویت نمود و با تصحیح ارتباطات فردی و تغییر رفتار جمعی، ظرفیت های اجتماعی را برای تحقق درونی سازی ارزش ها توسعه پخت. در این میان، عامل مؤثر در تسریع این روند و هنجارهای اسلامی، مجموعه احکام قرآنی شامل وظایف، تکالیف و حقوق فردی و اجتماعی بود که با تأکیدها و نظارت پیامبر اکرم(ص) فرایند فرهنگ پذیری و اجتماعی شدن نیز محقق شد. نوشتار حاضر چگونگی دگرگونی فرهنگی و درونی سازی ارزشی در عصر نبوی(ص) را مورد بررسی قرار می دهد.

واژه های کلیدی: عصر نبوی (ص) دگرگونی فرهنگی، دگرگونی اجتماعی، کنترل اجتماعی، درونی سازی ارزشی، هنجارهای اسلامی.

مقدمه

انوار تابناک دین مبین اسلام در حالی تابیدن گرفت که افق تیره و تار جاهلیت تمامی جزیره العرب را در نور دیده بود. انحطاط اخلاقی، ناهنجاری‌های اجتماعی، افکار و افعال برخاسته از حماقت و سفاحت^۱، تبعیت از هنجارهای زشت و ناستودنی ستی ویژگی‌هایی به شمار می‌آمد که بر خشم و تسليم ناپذیری در مقابل کلام الهی دامن می‌زد. در این شرایط نامراد، پیامبری(ص) پا به عرصه وجود نهاد که با تعالیم وحیانی و آموزه‌های قرآنی نظام جاهلی را هدف قرارداد و فرهنگ آن را با مجموعه‌ای از زیر ساخت‌های معمول، به چالش فراخواند.

جریان تبلیغات و تعليمات الهی پیامبر(ص)، طی بیست سال دعوت علنی مدام و مستمر انجام گردید و سنت‌های قومی و قبیله‌ای را متلاشی نمود. در پی این دگرگونی اساسی، انقلاب نوبنیاد اسلامی با فرهنگی جدید و ارزش و هنجارهایی متفاوت بنا شد. ده سال نخست دعوت علنی رسول اکرم(ص) در کانون آغازین آن، یعنی مکه چندان پر توفیق جلوه ننمود،^۲ اما خیلی زود همچون نهالی نورسته بر یتر ب نیز ریشه دوانید و از آن‌جا به همه جزیره العرب و بعدها به سایر کانون‌های تمدنی جهان آن روز منتقل شد. این تلاش‌بی وقفه که به اض محلال نظام جاهلی و شکست ارزش‌های حاکم بر آن منجر گردید، جریانی دو سویه بود. از یک سو باورهای ریشه‌دار و عادات ناپسند جاهلی را ویران می‌نمود و از سوی دیگر بر ویرانه‌های آن، هنجارها، الگوها و ارزش‌هایی همنوا با ساخت جامعه‌ای اسلامی فراهم ساخت. تشکیل دولتی مقترن در مدینه که ظاهراً نخستین توفیق سیاسی پیامبر (ص) بود، به تسریع روند تغییرات فرهنگی و جایگزین نمودن ارزش‌های اجتماعی - اسلامی کمک نمود. تعالیم فraigیر قرآنی و مجموعه‌ای از سنت‌های نبوی به همراه ایجاد دولت اسلامی و کار کرد آن به سرعت حیات شهری اسلامی(حضری) را جایگزین بدويت و حیات جاهلی نمود، زیرا این اصلاحات فرهنگی و تغییرات اساسی، نه تنها در باور و عقیده مسلمانان نمایان شد بلکه همه سنت‌ها، آداب و رسوم و مناسبات

اجتماعی آنان را نیز دگرگون نمود.

بی تردید مهم‌ترین عامل تغییرات فرهنگی در کنار ایجاد ارزش‌های نو و هنجارهای بی بدیل اسلامی، خواست اجتماعی و همنوایی جمع، برای پذیرش آن فرهنگ جدید بود. علاوه بر این، آن‌چه می‌توانست به تداوم این فرهنگ پذیری و یا استمرار تحولات بینجامد، یگانگی اجتماعی و به دنبال آن کنترل اجتماعی بود.

بر این اساس، هدف مقاله حاضر، تحقیق درباره این سوالات اساسی است:

۱. تغییرات فرهنگی عصر پیامبر(ص) متأثر از چه عواملی بود؟

۲. عامل مؤثر در ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی عصر پیامبر(ص) چه بود؟

۳. سازو کار درونی سازی ارزشی در عصر نبوی(ص) چگونه بود؟

در پاسخ به این پرسش‌ها مهمترین فرضیات عبارتند از:

۱. آموزه‌های قرآنی و تعالیم وحیانی پیامبر(ص) به تغییرات فرهنگی نظام جاهلی منجر شد.

۲. سازوکارهای فرهنگی پیامبر اکرم(ص) در دگرگونی اجتماعی نظام جاهلی مؤثر بود.

۳-۱. کاربرد ابزار اخلاقی مبتنی بر اعتماد سازی عمومی عامل مؤثری در تقویت و تثبیت انگاره‌های فرهنگ اسلامی و درونی کردن ارزش‌ها بود.

۳-۲. ایجاد تکالیف فردی و جمیعی در درونی‌سازی ارزش‌های جامعه اسلامی تأثیر بسزایی داشت.

کارآمد ترین مفهوم و رهیافتی که می‌توان به مدد آن موضوع کنترل اجتماعی و درونی‌سازی ارزش‌ها را بررسی نمود آراء و نظریه‌های کسانی است که قبل از بدان توجه نموده‌اند از جمله آنان به راس، دورکیم و مید می‌توان اشاره نمود.

بررسی دقیق موضوع حاضر مستلزم تعریف واژگان است. از این رو، متناسب با چهارچوب نظری موجود ابتدا مفاهیمی مانند دگرگونی فرهنگی^۳، دگرگونی اجتماعی^۴، کنترل اجتماعی^۵ و ارزش اجتماعی^۶ تعریف و سپس به مجموعه عواملی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر تغییرات فرهنگی و کنترل اجتماعی تأثیر گذارند، پرداخته خواهد

شد.

دگرگونی فرهنگی: مبادرت یک قوم به رها کردن سنت‌ها، ارزش‌ها و رسوم کهن و پذیرش ارزش‌های تازه به جای آنها است.^۷

دگرگونی اجتماعی: این فرایند به تبدیل و دگرگونی‌هایی اطلاق می‌شود که در طول تاریخ در اصول زندگی جامعه و ملتی روی می‌دهد.

کنترل اجتماعی: سازوکارهایی که جامعه به وسیله آن تسلط خود را بر اشخاص اعمال می‌کند و آنان را وا می‌دارد که با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه همنوا شوند.^۸

ارزش‌های اجتماعی زیر بنای هنجارها، نهادها، و ساخت اجتماعی را تشکیل می‌دهند و چهارچوبه‌هایی برای مشروع ساختن رفتارهای انسانی هستند،^۹ بنابر این تعریف، در اصطلاح جامعه شناسی، ارزش‌ها به موضوعاتی اطلاق می‌شوند که مورد پذیرش همگان بوده‌اند و ادراک، عواطف و افعال فرد را می‌توانند در جهت‌های معینی به جریان اندازند.^{۱۰}

ارزش‌های اجتماعی متناسب با تعاریف مختلف از آنها، با ویژگی‌های حیات اجتماعی جوامع متعدد نسبی مرتبط هستند و در هر فرهنگی تغییر می‌کنند. موارد "ارزش گذاری شده‌ای" مانند هنجارها، آداب و رسوم، معتقدات، اخلاقیات، جزو ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شوند. بنابراین در بررسی حاضر به دلیل ارتباط تنگاتنگ مفهومی و عملیاتی عناصر فرهنگی و اجتماعی تغییرات مرتبط با آنها نیز در یک حوزه مطالعه قرار می‌گیرند.

عوامل مؤثر بر تغییرات فرهنگی و دگرگونی‌های اجتماعی عصر نبوی

بعثت پیامبر اکرم(ص) به همراه مجموعه‌ای از آموزه‌های قرآنی و تعالیم وحیانی، جامعه نوبنیاد اسلامی را به سمت تغییر و تحولاتی اساسی سوق داد که در نهایت منجر به دگرگونی در کل نظام اجتماعی و مناسبات فرهنگی جزیره‌العرب شد. فرهنگ جاهلی حاکم بر اجتماعات پراکنده یا متمرکز محدود در این سرزمین مخصوصاً حیات قومی و

محصور در مناسبات محدود قبیله‌ای بود. مزید بر آن، محیط نامساعد جغرافیایی، بی‌ساختاری اجتماعی، فقدان نگرش فرا قبیله‌ای و رشد ارزش‌های کهن نظیر حمیت و عصیت در سایه روح قبیله‌ای تصور هرگونه تحولی را محال می‌نمود. از موانع مهم دیگر که سد راه تحولات بنیادین در چنین جامعه بسته‌ای می‌گردید؛ نظام فکری شرک‌آلود و بینش مشرکانه اعراب جاهلی بود. «الاعراب اشدَّ كفراً و نفاقاً». ^{۱۱} این عامل ضمن محدود نمودن کنش فکری آدمی، در دست‌یابی به عالی‌ترین مرتبه کمال بشری، روح جمعی و وفاق اجتماعی را از میان برد و سودجویی فردی در سایه دیدگاه قبیله‌ای را بر جامعه مستولی کرد.

علاوه بر این، جمعیت ناهمگون و پراکندگی اجتماع صحراء‌گرد بی‌سامان و محکوم به مراعات حیات قبیله‌ای به دور از نظام شهرنشینی، یکی دیگر از عواملی بود که هرگونه تغییر جدی و بنیادی وبا سطحی در عصر نبوی را با مشکل مواجه می‌نمود. عدم درک صحیحی از نیازهای جمعی و حیات فردی، بی‌توجهی به نیازهای روحی و روانی در مسائل فردی و اجتماعی نیز از جمله عوامل شناخته شده مانع تغییرات فرهنگی در این عصر است.

در چنین شرایطی، پیامبر(ص) به رسالت می‌عوთ شد که با: «سیرة القصد، سنتة الرشد، کلامُ الفصلُ و حُكْمُ العَدْلِ» همراه بود^{۱۲} و کلام الهی در قالب آیات قرآنی بر بشر نازل گردید که واژه وائزه آن کلید سعادت بشری قلمداد می‌شود. بنابراین، نخستین عامل اساسی در ایجاد تحولات بنیادین اسلامی در جزیره‌العرب، قرآن کریم است که در نهایت اعجاز با محتوایی فوق بشری و دلنشیں همه انسان‌ها را به خدایی واحد فرا خواند و با القای نگرش توحیدی بُتان زشت و ناتوان مصنوع دست و فکر بشری را به سخره گرفت و عقل سلیم آدمی را به تفکر واداشت. بررسی آموزه‌های شگرف این کتاب آسمانی و شیوه نزول آن - که خود یکی از عوامل مؤثر در تعمیق فرهنگ جدید اسلامی و تغییر نگرش فرهنگی بود - توانست در باروری، شکوفایی و توسعه فرهنگی، نقش مهم و تعیین

کننده ای ایفا نماید. ویژگی‌های برجسته قرآن و برنامه‌های آموزشی، تبلیغی و ترویجی آن با مجموعه‌ای از قوانین اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به همراه شیوه نزول تدریجی^{۱۳} موجب شد تا انسان گم کرده راه با تأثیر در اعجازش اندیشه کند و تعالیمش را فرا بگیرد^{۱۴} و آدابش را به جای آورد.

لازمه فهم تأثیرگذاری فرهنگی آیات و آموزه‌های قرآنی، تقسیم آیات مکی و مدنی به دو بخش مجزاست. امتیازت آیات مکی که دو سوم کل قرآن را در بر می‌گیرد^{۱۵} به موضوعاتی کلی اختصاص یافت که عمدتاً شامل اصول اعتقادات، اخلاقیات و قوانین دینی بود و در مواردی چون بیان توحید و نفی شرک، تطهیر عقیده و اثبات نبوت و باورمندی بر معاد خلاصه می‌شد. هرچند مطابق دسته‌بندی‌های موجود، آموزه‌ها و قوانین اجتماعی آیات مکی نسبت به آیات مدنی کمتر به نظر می‌رسد،^{۱۶} اما به طور کلی می‌توان موارد ذیل را جزء امتیازت آیات مکی با محتوای اجتماعی بر شمرد که هریک نقش مؤثری در ایجاد دگرگونی و یا هدفمند ساختن جامعه بر عهده داشته اند:

۱. توصیه به وحدت و همبستگی اجتماعی؛^{۱۷}
 ۲. طرح قصص انبیاء و ملل گذشته^{۱۸} با هدف عبرت آموزی و الگو سازی؛
 ۳. التزام به حیات پس از مرگ با رویکرد معادی؛
 ۴. توجه به توبه به عنوان ابزار تهذیب بشری؛^{۱۹}
 ۵. تشریح و تبیین خصال نیکو جهت قرب الى الله؛
- امتیازات آیات مدنی که تنها یک سوم کل قرآن را شامل می‌شود و با محتوای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی طی ده سال حضور پیامبر (ص) در مدینه بر ایشان نازل گردید^{۲۰} عبارتند از:

تشريع قوانین و مقررات عبادی شامل عبادات فردی و جمعی از جمله

۱. اقامه نماز به شکل کامل آن بویژه نماز جمعه و احکام آن^{۲۱}، نماز خوف^{۲۲} و... با تجلیات و تأثیرهای اجتماعی؛

- ۲. روزه و آداب آن^{۲۴}
- ۳. حج و احکام آن^{۲۵}
- ۴. زکات و مصارف آن^{۲۶}
- ۵. حلال و حرام، فرائض و احکام^{۲۷}
- ۶. جهادهای تدافعی و غزوات^{۲۸}

هریک از این آیات که با اهداف برنامه ریزی شده‌ای در خصوص جامعه نبوی نازل گردید و به تدریج تغییرات اساسی را در جامعه ایجاد نمود. اهتمام به جدیت در رفتار سازمانی و اجتماعی به جای بی‌نظمی و هرج و مرچ، تعهد و التزام به جای نابسامانی و بی‌هدفی و تحکیم بنیاد روابط متقابل اجتماعی به سرعت جامعه را به ترک سنن، آداب و مناسبات بی‌محتوای گذشته سوق داد و جهت‌گیری رفتار اجتماعی را به سمت الگوهای آرمانی تسریع بخشدید. علاوه بر نزول آیات، تلاش‌های طاقت فرسای رسول اکرم(ص)، با طرح برنامه‌های اخلاقی و آموزش روابط نظاممند اجتماعی و فرهنگ سازی قرآنی نیز در فراهم کردن زمینه تغییرات اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم و تعیین کننده بود. با این ملاحظه می‌توان به درستی دریافت که دومین عامل مؤثر در ایجاد دگرگونی اجتماعی و فرهنگی و هنجارسازی اسلامی سیره و سنت شخص رسول اکرم (ص) و مجموعه قول، رفتار و عملکرد آن حضرت بوده است. متناسب با این اهمیت، سنت نبی مکرم اسلام(ص) منشأ الهی برای تمسمک مسلمانان به حبل المتنین قرآن کریم گردید. بدین ترتیب مهم‌ترین و کارآمد ترین ابزار پیامبر(ص) برای ایجاد تحول فکری و خلق نظام ارزشی جدید، قرآن کریم و کلام الهی بود.

آموزه‌ها و برنامه‌های قرآن کریم موجب شد تا موانع اساسی فرهنگ پذیری نظیر جمود، خوبینی، کبر، سست اعتقادی، رفع و به جای آن تفکر، تعقل،^{۲۹} تدبیر^{۳۰} جایگزین شود. مهم‌ترین دستاوردهای چنین تلاشی، مذموم دانستن افکار تقليیدی، نفی وابستگی‌های قومی و قبیله‌ای و ترک بت پرستی بود. گسترش ارزش‌های غایی قرآنی در مکه به دلیل

تعمیق باورهای جاهلی و خلا اعتقادات راستین و البته حاکمیت قریش و تنگ نظری قبیله‌ای، به کندی سپری شد. وجود این موانع سخت و دشوار پیامبر اعظم(ص) را مجبور کرد تعلالوه بر سفرهای تبلیغاتی مانند سفر به طائف^{۳۱} و یا اجرای گردهمایی‌های فرهنگی نظیر عقبه اول^{۳۲} و دوم^{۳۳} به تربیت نقیبانی کارآمد مبادرت ورزد و آنان را به نواحی یثرب^{۳۴} و یمن^{۳۵} اعزام نماید و یا در اقدامی تبلیغی و تدافعی دستور به مهاجرت به سمت حبسه^{۳۶} و یا یثرب^{۳۷} دهد. این بدان سبب بود که پیامبر اکرم(ص) هرگز از نقش تعیین کننده مهاجرت به عنوان مهم‌ترین رکن دگرگونی و انتقال فرهنگ غافل نماند، شاید متناسب با همین رویکرد در احادیث بسیاری با تأکید بر اهمیت هجرت صحه نهاده است. «إِنَّ الْجُنَاحَ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مِنْ هَاجِرَ».^{۳۸} نکته جالب اینکه توصیه پیامبر(ص) به امر هجرت در این مورد خلاصه نمی‌شود، زیرا ایشان مکرراً به عدم هجرت بعد از توطن و شهر نشینی اشاره می‌فرماید. مذمت بازگشت به حیات جاهلی و یا صحرائگزینی بعد از شهر نشینی؛^{۳۹} موضوعی است که در امر موانع فرهنگ‌پذیری اجتماعی، فوق العاده دارای اهمیت قلمداد می‌شود.

مهاجرت و عزیمت پیامبر اعظم(ص) به یثرب یکی از نقاط عطف تاریخ اسلام است، زیرا یثرب با دارا بودن ساختاری متفاوت از مکه به زودی کانون تحولات فرهنگی و دگرگونی‌های اجتماعی عصر پیامبر(ص) گردید به گونه‌ای که توفیقات چشمگیر پیامبر اعظم(ص) در همه ابعاد سیاسی و اجتماعی در مدینه سریع‌تر بوقوع پیوست. یکی از بهترین رخدادهای سیاسی که زمینه ایجاد تحولات فرهنگی این عصر به شمار می‌رود، تشکیل نظام سیاسی در مدینه بود. تأسیس دولت می‌توانست عاملی تعیین کننده در ایجاد دگرگونی‌های فرهنگی، باشد و به کنترل اجتماعی کمک شایان توجهی بنماید. داشتن مشروعیت الهی «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»^{۴۰} و دارا بودن حمایت‌های مردمی و مقبولیت

عامه از امتیازات دولت سیاسی پیامبر(ص) محسوب می‌شد.

بنابراین با فراهم شدن نظام کاریزمایی به رهبری پیامبر(ص) و تشکیل پایه‌های قدرت

در مدینه، جد و جهد رهبری جامعه برای تقویت بنیاد نظامی و در نهایت ساماندهی بخش تبلیغاتی - تعلیماتی با هدف گسترش و حاکمیت بخشیدن اسلام آغاز شد. از این پس مدینه کانون تربیت نقیبیان و اعزام آنان برای اجرای تبلیفات در جهت گسترش آموزه‌های اسلامی و تعلیم مبانی دینی گردید. نمونه‌های عالی قوانین اجتماعی اسلامی نظیر عقد قراردادهای متعدد،^{۴۱} بستن پیمان برادری (مؤاخاة)،^{۴۲} صدور احکام اسلامی و نظارت بر اجرای قوانین، طراحی نظام اداری ساده به منظور ثبت نامه‌ها^{۴۳} و پیمان نامه‌ها^{۴۴} و در نهایت طرح ریزی و اجرای برنامه‌های تدافعی و یا جهادهای نظامی، همگی به منظور دگرگونی فرهنگی و در نهایت کنترل اجتماعی و درونی کردن ارزش‌های دینی بود.

شیوه‌های پیامبر برای ایجاد دگرگونی فرهنگی

برجسته ترین آثار و نتایج رسالت پیامبر (ص) ایجاد دگرگونی فرهنگی و جایگزین نمودن برنامه‌های اصلاحی و تربیتی به شمار می‌آمد^{۴۵} که ضمن نوسازی جامعه نوبنیاد مدینه، می‌توانست به تحکیم انگاره‌های فرهنگی میان مسلمانان بینجامد. در این طریق رسول اکرم (ص) شیوه‌هایی را به کار گرفت که از میان آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. **شیوه سیاسی:** تشکیل دولت اسلامی و تقویت ارکان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی آن، مهم‌ترین عامل و منبع توانایی در ایجاد دگرگونی‌های همه جانبه به شمار می‌آید. هرچند این شیوه سیاسی دو سویه بود؛ یعنی هم ایزار دگرگونی اجتماعی و به تبع آن تغییرات فرهنگی محسوب می‌گردید، همچنین اهرمی برای ایجاد نظم اجتماعی و به دنبال آن کنترل اجتماعی و یا درونی کردن ارزشی قلمداد می‌شد.

دولت اسلامی مدینه به دو شیوه تسلط اجتماعی خود را بر جامعه اعمال نمود. نخست با شیوه تسلط اجباری که با طرح قوانین و مقررات شهری، تعیین حقوق اجتماعی و دینی به طور مستقیم بر جامعه نظارت داشت. دوم شیوه ترغیبی که به وسیله تشویق و ترغیب،

انسان‌ها را به سازگاری با هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های اسلامی دعوت می‌نمود.

۲. شیوه اجتماعی: طرح قوانین اسلامی و اقدامات اجتماعی چون عقدنامه‌ها، پیمان‌نامه‌ها و صلح‌نامه‌هایی که محتوای اجتماعی داشت و به ساماندهی فرهنگی و وفاق اجتماعی می‌توانست بینجامد. به گونه‌ای که در سایهٔ سیاست خاص نبی مکرم اسلام(ص) مبتنی بر عقد اخوت به زودی مردم یشرب و مهاجرین علاوه بر فرهنگ پذیری و هم‌گرایی اسلامی به وفاقی مبتنی بر اصول برادرانه نایل آمدند، زیرا ایجاد تماس مستقیم و پیوند دینی با السابقون (مهاجرین) و نسل جدید (انصار)^{۴۶} به فرایند فرهنگ پذیری مسلمانان و تسریع آن در مدینه افزواد. هرچند سایر برنامه‌های اجتماعی پیامبر(ص) نیز در تقویت بنیاد همبستگی اجتماعی عناصر نامتجانس در مدینه نیز مؤثر افتاد و به پایداری نظام اسلامی در مدینه کمک کرد.

۳. شیوه فرهنگی: صرف نظر از وسعت معنایی و پیچیدگی تعاریف فرهنگ^{۴۷}

می‌توان به اختصار سیاست فرهنگی پیامبر اکرم(ص) را در موارد ذیل ذکر نمود:

۱-۳. تخریب نظام فکری و اخلاقی جاهلی و جایگزین کردن ارزش‌های جدید فرهنگی منشعب از متن اسلام و متکی به آموزه‌های قرآنی، در این روش مهم‌ترین ابزار پیامبر موعظه، نصایح قرآنی برای تخریب و یا تصحیح آموزه‌های غلط جاهلی بود.

۲-۳. گفتار، رفتار و کردار پیامبر اکرم(ص)، شخصیت عالی، رفتار متعالی و سلوک مردمی پیامبر اکرم، جذابیت‌های ویژه‌ای را برای آن حضرت به عنوان رهبر جامعه اسلامی به ارمغان آورد.^{۴۸} او دارای اخلاقی کامل و جامع تمام فضایل و کمالات انسانی بود که متناسب با آن پروردگار تبارک و تعالی او را این چنین می‌ستاید: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» ای پیامبر تو دارای بهترین اخلاق هستی. «وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظًا لَّفَظَّ الْقُلُوبَ لَا تَفْضُوا مِنْ حَوْلِكَ أَفَرَ تَنْدَخُ وَ سُختَ دلَّ مِنْ بُودِي مَرْدَمَ از اطْرَافَتِ پِرَاكِنَدَه مِنْ شَدَنَدَه.»^{۴۹}

با این توصیف، سیره عملی آن حضرت (ص)، اعم از صفات و اخلاق نیکو و برخورد

ملايم با مردم و خانواده^{۵۰} او را «اسوه حسته» و الگويي مناسب برای تمامی مسلمانان قرار داد تا با تممسک به سيره مباركش به تغيير فرهنگي نايل آيند و نيز ارزشها و هنجارهای اجتماعی را در جامعه نهايده نمایند. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أَنْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ دَرٌ [سیره و سخن] پیامبر خدا برای شما الگويي نيكويي است.» منابع نمونه های بسياري از مناسبات خانوادگی پیامبر(ص) را ثبت کرده‌اند از جمله ابن شهر آشوب در مناقب، (ج ۱، ص ۱۴۶) بخشی از سلوک پیامبر(ص) را اين گونه می‌نگارد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله کفش خود را وصله می‌زد، پوشак خویش را می‌دوخت، در منزل را شخصا باز می‌کرد، گوسفندان و شترها را می‌دوشيد و به هنگام خسته شدن خادمش در دستاس کردن به کمک او می‌شتافت و آب وضوی شبیش را خود تهیه می‌کرد. و در همه کارها به اهل خانه کمک می‌کرد. و لوازم خانه و زندگانی را به پشت خود از بازار به خانه می‌برد.»^{۵۱} از اين رو، يكى از مهمترین عوامل پيشرفت اسلام، اخلاق نيكو و ب Roxوردي ملايم با مردم بود. رشيد الدين ميدى هم در تأييد همین مطلب در تفسير آيه «انک لعلی خلق عظيم»^{۵۲} مى‌نويسد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله امر و نهى قرآن را چنان پيش گرفت و به خوش طبعی رفتار نمود که گويي خلق وی و طبع وی خود آن بود.»

بلغ العلی بكماله کشف الدجی بجماله

حسنیت جمیع خصاله صلوا علیه و آله

۳-۳. شیوه عدالت محوری و مدارا: از میان همه خصال نیکوی نبی مكرم اسلام(ص)، رعایت اعتدال، مدارا، و مساوات در توسعه فرهنگ ارزشی اسلام نقش به سزاپی ایفا نمود. گرد آمدن مسلمانان و غير مسلمانان زیر چتر حمایت حکومت اسلامی، صرفاً با جذبهای پیامبر گونه امكان پذیر می‌بود. توجه آن حضرت به تازه مسلمانان و مؤلفه القلوب‌ها به سان برگ برندهای بر شتاب گسترش مفاهیم ارزشی اسلام می‌افزود و راه هر بهانه‌ای را برای تمدد و سرکشی مشرکان می‌بست. به همین دليل در سرلوحة اقدامات اجتماعی و

اقتصادی پیامبر اکرم(ص) توزیع عادلانه غنایم و درآمد بیت المال مسلمین قرار داشت. اغراض از اشتباهات مشرکان و منافقان و یا بخشیدن غنایم به مؤلفه القلوب‌ها نمونه‌های تاریخی از رفتار پیامبر با این جماعت نو مذهب بود.^{۵۳}

۳-۴. تصحیح آداب و رسوم جاهلی و عرضه آیین هدفمند اسلامی یکی دیگر از اقدامات فرهنگی پیامبر برای تغییر مبادی فرهنگ جاهلی بود. در این روش پیامبر با طرح الگوهای هدفداری مانند اعياد اسلامی(قربان، فطر) و یا آیین‌های عبادی نظیر نماز و روزه و حج جماعت مسلمان را به سمت و سویی رهنمون ساخت که در نهایت رضایت خدا و آرامش روان آدمی را در پی داشت.

۴. شیوه نظامی: برنامه تدافعی و راه اندازی جهادها و غزوات هدفمند پیامبر(ص) هر چند به ظاهر دارای شاکله‌ای نظامی بود، اما به طور کلی با اهداف متعالی فرهنگی نیز همراه بود. زیرا فرصت سفر مقدس جهاد و یا صحنه رویارویی با دشمن و یا فتح و حتی شکست، زمانی مناسب بود تا اصول اخلاقی و ارزشی طرح و آموزش داده شود.

پیامبر اعظم(ص) و سازو کار درونی سازی ارزشی

به موازات تغییرات اساسی و دگرگونی‌های فرهنگی که در جامعه نبوی پدیدار شد، سیاست‌هایی از سوی پیامبر باید اعمال می‌گردید تا مسلمانان و نوکیشان را با ارزش‌هایی جدید همنوا سازد. تقویت باورهای اسلامی و تعمیق اعتقادات ماوراء‌الطبیعتی، به همراه ارج نهادن به اخلاق و گرامی داشت آموزش و آشکارسازی حقوق اسلامی در حفظ ساختار هنجاری جامعه نقش مهمی داشت که سرانجام به کنترل اعمال فردی و اجتماعی مسلمانان می‌انجامید. بنابراین اصل، پیامبر اعظم(ع) مجموعه سیاست‌هایی را به کار برد که ضمن درونی‌سازی خواسته‌های اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عنصر کنترل اجتماعی^{۵۴} به تعمیق باورها و عقاید اسلامی نیز کمک نماید. شدت و ضعف این سیاست‌های عملی به یک اندازه نبود بلکه تعدادی از آنها مانند قوانین و مقررات، حقوق اجتماعی و دینی با دقت نظر

بیشتری اعمال می‌شد که سریچی از آنها مجازات و سختگیری را نیز به دنبال داشت، اما تعدادی دیگر نیز تنها برخوردهای اجتماعی را می‌طلبید. بنابر این اصل، سازوکارهای کنترل اجتماعی پیامبر اعظم(ص) برای درونی‌سازی ارزش‌های اسلامی عبارتند از:

۱. تقویت و تحکیم بنیادهای نظام دینی و ایدئولوژیک اسلام: دین اسلام با مجموعه‌ای از آداب و رسوم مشخص و رفتارهای نمادین اخلاقی هم به کنترل فردی و شخصی توجه داشت و هم به جامعه پذیر نمودن انسان‌ها و کنترل اجتماعی، پس پیامبر اکرم با طرح تکالیف فردی و قوانین جمعی به تحکیم مبانی مناسبات اجتماعی نایل آمد، زیرا این تکالیف می‌توانست فرد را به اطاعت از یک قاعده و یا یک امر قانونی و ادار سازد و آنان را به سوی همنوایی اجتماعی سوق دهد. از این رو عنصر دین اسلام کارکردی چند سویه داشت:

- ۱-۱. به عنوان وجودان که محصولی اجتماعی است^{۵۵} و نوعی کنترل شخصی به شمار می‌آید که در انسان عمل نماید.
- ۱-۲. احساس امنیت را در جامعه بالا برد.
- ۱-۳. جامعه‌پذیری اجتماع انسانی را افزایش می‌داد.
- ۱-۴. انسجام و همبستگی گروهی را تحکیم بخشد و احساس وحدت و تعلق را فزونی بخشد.

- ۱-۵. از دیگر اقدامات عملی پیامبر در جهت تحکیم بنیاد دین اسلام عبارتند از:
 - ۱-۲-۱. مبارزه عملی با شرک و بت پرستی؛
 - ۱-۲-۲. نفی آداب و رسوم مشرکانه؛
 - ۱-۲-۳. پاکسازی خانه کعبه و بت شکنی؛
۲. تاسیس مسجد، نهادی چند منظوره: راه اندازی نهاد فرهنگی - اجتماعی مانند مسجد که مکانی مقدس و کارکردی چند جانبی داشت به عنوان عنصری نظم دهنده موجب همنوایی رفتار اشخاص با خواست‌های گروهی می‌شد و به کنترل اجتماعی می‌انجامید.^{۵۶}

مسجد مدینه نهادی تعلیمی بود که بر بنیاد تقوی استوار شد^{۵۷} و به زودی جایگاه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را در جامعه باز نمود و محل تجمع و گردهمایی‌های مختلف مسلمانان گردید.^{۵۸}

۳. تشکیل دولت اسلامی: دولت نوبنیاد اسلامی در مدینه با رهبری پیامبر اکرم(ص) و مجموعه‌ای از قوانین سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی همراه بود که در یک بررسی کلی می‌توان پذیرفت این قوانین مدنی هریک سرمنشأ تحولی عظیم در فرهنگ و تمدن اسلامی گردید. فرامین پیامبر(ص) و قواعد لازم الاجرا برای ماندگاری در شهر و یا حتی پیمان نامه‌ها و قرار دادهای اسلامی نمونه عالی طرح ساماندهی اجتماعی پیامبر اکرم تلقی می‌شد. این قوانین، مهم‌ترین رکن در ایجاد دگرگونی و تغییرات فرهنگی مورد مطالعه است که در بخش‌های مختلف دیگری نیز می‌توانست ابزار اصلی برای کنترل اجتماعی جامعه اسلامی باشد.

۴. طرح مراسم دینی: رفتارهای دینی با مجموعه‌ای از مراسم و آداب آیینی به مثابه محرك‌هایی هستند که به فعالیت اجتماعی و سیاسی سمت و جهت می‌بخشند. مراسم و مناسک دینی منظم که مؤمنان بدان وسیله با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند؛ فرصت ملاقات آنان را فراهم می‌کند و در درونی‌سازی ارزش‌های معنوی نقش مهم و تعیین کننده‌ای را ایفا می‌نمایند. بنابراین، تجمع دینی، نوعی همبستگی گروهی را به وجود می‌آورد که در نهایت ضمن ایجاد و تثبیت پیوند انسان‌ها به هم ارزش‌های موجود دینی را تحکیم می‌بخشد. برای نمونه نمازهای پنج گانه به شکل جماعت و یا نماز جمعه و عید فطر، آیین حج و مراسم آن و سایر مناسبات دینی مشترک می‌توانست حول محور ذیل - علاوه بر درونی‌سازی ارزش‌ها - به کنترل اجتماعی بینجامد:

۱. این مراسم به وفاق اجتماعی، وحدت دینی و تقویت همبستگی گروهی کمک می‌نماید.

۲. به زندگی و حیات پس از مرگ معنا می‌بخشد.

۳. هدایت‌گر رفتارهای مسلمانان در قالب آیین‌های مشترک است.

۴. نیازهای معنوی جامعه اسلامی را برآورده می‌کند.

۵. طرح قواعد اخلاقی: اگر ما اخلاق را مجموعه‌ای از اصول و قواعد روشی بپذیریم که نوع مناسبات و قواعد رفتاری ما را تعیین می‌کنند بنابراین، می‌توان به میزان تأثیر گذاری اجرای قواعد اخلاقی به عنوان ضمانت‌های اجرایی مبانی دینی و در نهایت کنترل اجتماعی مردم جامعه پی برد. طرح مبانی اخلاقی نظیر احترام به معنویت، توجه به عدالت، رعایت حقوق مستضعفان و... ضمن تولید هنجارهای نو و ارزش‌های جدید در جامعه نوبنیاد اسلامی می‌توانست به فرایند جامعه پذیری، درونی‌سازی ارزش‌ها و کنترل اجتماعی متنه‌ی شود. در ک این مطلب می‌تواند به فهم هرچه بهتر مهتم‌ترین هدف رسالت پیامبر اکرم(ص) که همان مکارم اخلاق است بینجامد.

در تحلیلی کلی از برنامه‌های پیامبراعظم(ص) در طرح مناسبات اخلاقی و ترویج فرهنگ دینی می‌توان عناوین ذیل را به طور موجز ذکر نمود:

۱. ترویج فرهنگ اخوت و همدلی و همبستگی اسلامی؛
۲. ترویج فرهنگ عدالت محوری با تأکید بر برابری و مساوات؛
۳. ترویج فرهنگ ساده زیستی؛
۴. نفی اسراف گری و پرهیز از تجمل گرایی؛
۵. تقبیح و ذم اشرافی گری؛

(الف) نهی از رفتارهای اشرافی و تن آسایی اجتماعی؛

(ب) جلوگیری از بذل و بخشش‌های اشرافی؛

(ج) ممانعت از مظاهر زیست اشرافی و تجمل گرایی؛

۶. تغییر نگرش مسلمانان به موضوعاتی مانند:

(الف) زن و خانواده؛

(ب) هرده‌گلن، غلامان و کنیزکان؛

(ج) بیعت؛

د) طبقه و مناصب سیاسی و اجتماعی؛

ه) مصرف و الگوهای مصرفی؛

و) مشارکت سیاسی؛

ز) فعالیت اجتماعی؛

ح) معیارهای ارجمندی؛

ط) عمل و نیت؛

ی) عبادات و مصادیق آن؛

۷. ارزش گذاری

الف) دانش و تحصیل علم؛

ب) مهارت های اجتماعی؛

- ازدواج^{۵۹} و طلاق؛^{۶۰}

- توجه به آموزش؛

- توجه به شوری و دموکراسی اجتماعی؛

- توجه به آداب اجتماعی(لباس پوشیدن، سخن گفتن، سایر موارد)؛

- امانت داری؛

- رعایت حقوق اجتماعی؛

- امر به معروف و نهی از منکر؛

- تأکید بر صله رحم و تحکیم روابط خانوادگی و اجتماعی؛

ج) مهارت های دینی:

- تلاوت قرآن؛

- گفتن اذان؛^{۶۱}

- احسان و احترام به والدین؛

- تقوای فردی و اجتماعی؛

د) مهارت های اقتصادی:

- وفای به عقود؛^{۶۲}

- نهی از خوردن اموال؛^{۶۳}

- نفی رباخواری؛^{۶۴}

- امانت اموال دیگران؛

تخلف از مبادی ارزشی و هنجارهای اخلاقی موجود در جامعه نوبنیاد مدینه، پیامدهای ناخوشایندی را به دنبال داشت. شاید یکی از بهترین نمونه‌های تاریخی این مذعا ساخت مسجد ضرار و ویران کردن آن^{۶۵} و یا برخورد جدی^{۶۶} با متخلفان غزوه تبوک^{۶۷} در این خصوص باشد. آموزش‌های دینی و توصیه‌های فرهنگی و اخلاقی، طرح برنامه‌های فraigیر اجتماعی، تصمیمات سیاسی و نظامی به انضمام برخوردهای اصلاحی مذکور از سوی پیامبر اکرم(ص) در جامعه اسلامی نتایجی را به دنبال داشت:

۱. تقویت و تحکیم نظام اسلامی؛

۲. تقویت، خود باوری فردی و جمعی؛

۳. ایجاد و طرح ارزش‌های مشترک دینی؛

۴. ایجاد وحدت میان ارکان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه؛

۵. ایجاد و تقویت حس تعاون و تعامل اجتماعی؛

۶. کنترل رفتار مردم در جهت تحکیم بنیاد سیاسی و فرهنگی اسلام؛

۷. ایجاد وفاق ارزشی میان مردم؛

نتیجه

این تلاش علمی صرفاً دستمایه‌ای برای بررسی مقدماتی سازوکارهای پیامبر اکرم(ص) درامر دگرگونی فرهنگی و درونی‌سازی ارزشی در طی بیست سال دعوت علی‌به شمار می‌آید، با این توضیح، حاصل تحقیق عبارت است از:

۱. عوامل اصلی دگرگونی‌های اجتماعی و تغییرات فرهنگی در جامعه اسلامی آموزه-

- های قرآنی و تعالیم وحیانی پیامبر(ص) بود . این دو عامل ضمن ایجاد تغییرات فرهنگی و تحولات اجتماعی به درونی سازی ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی منجر شد.
۲. مهم‌ترین اقدام پیامبر (ص) برای ایجاد دگرگونی اجتماعی و به تبع آن کنترل اجتماعی؛ ابزار سیاسی تشکیل دولت و برقراری نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت محوری بود. این عامل اساسی در تعمیق آموزه‌های قرآنی نقش مهمی را بر عهده داشت.
۳. ایجاد ارزش‌های جدید و خلق هنجارهای اجتماعی که روح فرد گرایی را به جمع گرایی اسلامی تبدیل می نمود عامل مهم و تعیین کننده‌ای در تقویت بنیاد کنترل اجتماعی می توانست به شمار آید.
۴. پیامبر اعظم(ص) ضمن توصل به قرآن و استفاده از توانمندی آن از ابزارهای اخلاقی مبتنی بر اعتماد سازی عمومی برای تقویت و تثبیت انگاره‌های فرهنگ اسلامی و درونی سازی ارزش‌های آن استفاده فراوان برد.
۵. وجود تکالیف فردی و جمیعی در فرهنگ اسلامی نقش مؤثری در درونی سازی ارزش‌های اسلامی داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب، (قم، مطبعة شریف رضی، ۱۴۱۳) ج ۱، ص ۳۹.
۲. مکه شهری دین مدار بود که به دلیل وجود خانه کعبه و حضور متمرکز قبیله قریش پایبند اصول فرهنگی کهنی بود؛ بنابراین طبیعی می‌نمود که تغیرات فرهنگی در این کانون بسیار آرام و کند و پر مقاومت صورت گیرد.
3. Culture Change.
4. Social Change.
5. Social Control.
6. Social Value.
7. بروس کونن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، (تهران، سمت، ۱۳۸۵)، ص ۶۷-۶۸.
8. لوئیس کوزر، نظریه‌های پسیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد (تهران، نشر نی، ۱۳۷۸)، ص ۱۰۷.
9. امان الله فرانی مقدم، مبانی جامعه‌شناسی، (تهران، ابجد، ۱۳۷۴) ص ۲۰۰.
10. اگ برن و نیم کف، زمینه جامعه‌شناسی، اقتباس امیر حسین آریان‌پور (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹) ص ۱۸۸.
11. توبه ۹۷.
12. روش او میانه، رفتار او هدایت و گفتارش معیار حق و باطل و فرمانش عدل و عدالت بود. نهج البلاغه، صبحی، ص ۱۳۹.
13. یعقوبی، تاریخ الیقویین، تحقیق عبدالامیر مهنا (بیروت، منشورات الاعلام للطبعات، ۱۹۹۳) ج ۱، ص ۲۵۲.

۱۴. علامه طباطبائی نیز در تفسیر سوره اسراء آیه ۲/براین امر صحه نهاده است. *الصیزان*، ج ۱۵، ص ۲۲۹.
۱۵. یعقوبی، پیشین، ص ۳۵۲-۳۵۳.
۱۶. التجار، *السیرة النبوية*، الشیخ ذکریا عمیرات (بیروت، دارالكتب العلمیہ، ۱۹۹۷) ص ۱۶۵.
۱۷. شوری/۱۳ و ۱۵.
۱۸. انعام
۱۹. ان الحسنات يذهبن السيئات هود/۱۱۴، النساء /۱۷.
۲۰. التجار، پیشین، ص ۱۶۹؛ یعقوبی، پیشین، ص ۳۶۱.
۲۱. همان، ص ۳۶۲-۳۶۳.
۲۲. النساء/۱۰۱ و جمعه؛ یعقوبی، پیشین، ص ۳۶۱.
۲۳. در حین غزوه ذات الرقاع پیامبر به همراه یارانش این نماز را بجای آورد. التجار، پیشین، ص ۲۸۰.
۲۴. روزه در دومین سال هجرت بر مسلمانان واجب شد؛ همچنین بقره/۱۸۳.
۲۵. حج عمره انجام نشده پیامبر در سال ششم هجری و حجۃ السوادع در سال ۱۰ هجری بود. بقره/۱۹۶ و آل عمران/۹۷ و حج/۲۸؛ این هشام، *السیرة النبوية*، (بیروت، دارالكتب العربي، ۱۹۹۸) ج ۴، ص ۲۵۱ و ۲۵۴ و ابی الفداء، *المختصر فی اخبار البشیر*، علق علیه محمود دیوب (بیروت، دارالكتب العلمیہ، ۱۹۷۷) ج ۱، ص ۲۰۲؛ طبری، *تاریخ الطبری*، عمره قضاء، (بیروت، دارالكتب العلمیہ، ۱۹۹۷) ج ۲، ص ۱۴۲ و ۲۰۴.
۲۶. اگرچه نسبت به پرداخت زکات در عصر مکی نیز تأکید شده است، اما به طور کلی آیات مربوط به فریضه زکات و احکام آن نیز مربوط به عصر مدنی است. برای توضیح بیشتر ببینید: توبه/۶؛ التجار، پیشین، ص ۲۸۲.
۲۷. یعقوبی، پیشین، ص ۳۶۲.
۲۸. توبه/۱۶-۱۳، حج/۳۹.

۲۹. نحل ۶۷/.
۳۰. نحل ۱۱، ۶۹/.
۳۱. ابن هشام، پیشین، ج ۲، ص ۶۷-۶۸ و ابی الفداء، پیشین، ص ۱۷۹.
۳۲. ابن هشام، پیشین، ص ۷۹.
۳۳. همان، ص ۸۶.
۳۴. همان، ص ۹۰-۹۱.
۳۵. البدایة والنہایة، ج ۵، ص ۱۰۵.
۳۶. الحلبی/السیرة الحلبیة، (دار المعرفة، بی جا، بی تا) ج ۲، ص ۳ به بعد؛ ابی الفداء، پیشین، ج ۱، ص ۱۷۷.
۳۷. همان، ص ۲۱۵.
۳۸. ابن شبه، تاریخ المدینة المنورۃ، (حققه فهیم محمد شلتوت (بیروت، دار التراث، ۱۹۹۰) ج ۲، ص ۴۸۲).
۳۹. همان، ص ۴۸۲.
۴۰. انعام /۵۶-۵۷، مائده /۵۰.
۴۱. قرارداد با یهود. محمد بن احمد کنعان، السیرة النبویة والمعجزات خلاصة تاریخ ابن کثیر، (بیروت، مؤسسه المعارف، ۱۹۹۶) ص ۱۹۸.
۴۲. همان، ص ۲۰۰-۲۰۱؛ ابی الفداء، پیشین، ص ۱۸۷.
۴۳. بیینید فهرست کتاب پیامبر (ص)، یعقوبی، پیشین، ص ۴۰۱.
۴۴. ابن شبه، پیشین، ج ۳، ص ۲۶۳.
۴۵. آنا ارسلنای شاهداً و مبشرًا و نذيرًا و داعيًا إلى الله بإذنه و سراجًا منيرا لحزاب ۴۵-۴۶.
۴۶. الساقون الاولون من المهاجرين والانصار و الذين اتبعوهم بالحسان رضي الله عنهم توبه /۱۰۰.
۴۷. آشوری، تعریف مفهوم فرهنگ، (تهران، آگاه، ۱۳۷۹) ص ۲۷.
۴۸. طبری، پیشین، نمونه های اوصاف پیامبر، ص ۲۲۱-۲۲۲.

۴۹. آل عمران/۱۵۹.
۵۰. نمونه هایی از رفتار خانوادگی پیامبر(ص) را منابع ثبت نموده اند.
۵۱. ابن شهر آشوب، مناقب، (قم، مطبعة علمیه، بی تا) ج ۱، ص ۱۴۶.
۵۲. قلم /۴.
۵۳. ابن هشام، پیشین، ج ۴، ص ۱۲۷-۱۳۸؛ واقدی، المغازی، تحقیق مارسدن جسوتر (بیروت، مؤسسه الاعلمی، للمطبوعات، ۱۹۸۹) ج ۲، ص ۹۴۹-۹۵۲.
۵۴. و رجوع شود به آراء و نظرات هربرت مید در مورد کنترل اجتماعی؛ کوزر، پیشین، ص ۱۰۸.
۵۵. همان، ص ۱۰۸.
۵۶. ابن هشام، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۱.
۵۷. لَمَسْجِدُ أَسِنَ عَلَى التَّقْوِيِّ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ . توبه/۱۰۸.
۵۸. کنعان، محمد بن احمد، پیشین، ص ۱۸۰-۱۸۱.
۵۹. بقره/۱۸۷.
۶۰. نساء/۴.
۶۱. الحلبی، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۶ و ۲۹۹-۳۰۰؛ یعقوبی، پیشین، ج ۱، ص ۳۶۱.
۶۲. مائده/۱.
۶۳. بقره/۱۸۸.
۶۴. همان/۲۷۵.
۶۵. ابن هشام، پیشین، ج ۴، ص ۱۷۱.
۶۶. آیتی، تاریخ پیامبر اسلام محمد(ص)، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸) ص ۵۲۲.
۶۷. این مخالفان در تاریخ به بکانون و المعدورن موسومند که نام آنها در سیره ابن هشام آمده است. ابن هشام، پیشین، ص ۱۵۷-۱۵۸.
۶۸. آیتی، پیشین، ص ۵۲۸.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آشوری، تعریف مفهوم فرهنگ، (تهران، آگاه، ۱۳۷۹).
- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام محمد(ص)، با تجدید نظر و اضافات ابوالقاسم گرجی، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸).
- ابن شبه النميری البصری، ابوزید عمر، تاریخ المدينة المنورة (أخبار المدينة النبوية)، حققه فهیم محمد شلتوت، (بیروت، دارالتراث، ۱۹۹۰).
- ابن شهر آشوب، ابو جعفر رشید الدین محمد بن علی، المناقب، (قم، مطبعة علمیة، بی تا)، ج ۱.
- ابن هشام، السیرة النبویة، علق علیها و خرج احادیثها عمر عبدالسلام تدمیری، (بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۹۹۸).
- ابن كثير، ابو لقداء الحافظ، البداية والنهاية و معه نهاية البداية فی الفتن والمالح، ج ۵، تحقيق و توثيق صدقی جميل العطار، (بیروت، دار الفکر للطبعاة و النشر و التوزیع، ۱۹۹۸).
- ابی الفداء، عماد الدین، تاریخ ابی الفداء المسمی المختصر فی اخبار البشر، علق علیه محمود دیوب، (بیروت، دار الكتب العلمیة، ۱۹۹۷).
- برن، اگ و نیم کف، زمینه جامعه شناسی، اقتباس امیر حسین آربان بور، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹).
- جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب، (قم، مطبعة شریف رضی، ۱۴۱۳).
- الحلبي، علی بن برهان الدین، السیرة الحلبيہ فی سیرة الاصمین الصامون، (دار المعرفة، بی جا، بی تا).
- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۵.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوك)، (بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۷).
- قرائی مقدم، امان الله، مبانی جامعه شناسی، (تهران، ابجد، ۱۳۷۴).

- کنان، محمد بن احمد، السیرة النبوية و المعجزات، خلاصة تاريخ ابن كثير، (بیروت، مؤسسة المعارف، ۱۹۹۶).
- کوزر، لوئیس، نظریه های بنیادی جامعه شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، (تهران، نشر نی، ۱۳۷۸).
- کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس غلامباس توسلی و رضا فاضل، (تهران، سمت، ۱۳۸۵).
- النجار، الشیخ عبدالوهاب، السیرة النبوية، خرجه آیاته و وضع حواشیه، الشیخ ذکریا عمیرات، (بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۷).
- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۳، تحقیق مارسدن جوتز، (بیروت، مؤسسه الاعلمی للطبعات، ۱۹۸۹).
- الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، تحقیق عبدالامیر مهنا، (بیروت، منشورات الاعلمی للطبعات، ۱۹۹۳).